

سلطان ملی کشتننده عضو بیرونی سیاسی کمیته مرکزی
ح. د. خ. ا. و رئیس شورای وزیران ج. د. ا.

صالح محمد زیری عضو بیرونی سیاسی و منشی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

خدمت تاریخی ارگانه‌های نشراتی سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پنجسال از نشرات روز - نامه حقیقت انقلاب نور، ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان میگذرد. روزنامه حقیقت انقلاب نور قبل از همه ادا می‌دهند راه تاریخی جراید تابناک (خلق) و ((پرچم)) ارگانهای مرکزی قبلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در شرایط انقلاب ملی و دموکراتیک پیروز مندر کشور ماست. بدین جهت موقع و ضرورت است که در پنجمین سالگرد آن، خدمت تاریخی ارگانهای نشراتی سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان - پیشا هنگام طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان در مجموع مورد ارزیابی قرار گیرد، خموشی راه طی شده توسط آنها روشن گردد، حقایق مربوط و تجارب غنی حاصله جمعیتهای گردیده و طوریکه لازم است، بیش از پیش در سندهای کار عظیم آینده روزنامه حقیقت انقلاب نور و سیستم مجامعی و سبب ارتباط همگانی کشور به کار گرفته شود.

بهمان روشنی است که ح. د. خ. ا. دو دهه قبل با برگزاری کنگره موسسین آن (۱۱ جدی ۱۳۴۳) در وجود یک جمعیت با لنسبه محدود انقلابیون کشور، تحت شرایط مخفی تشکیل و وارد عرصه تاریخ گردید. کنگره موسسین اصول اساسی و سازمانی و ایدئولوژیک خطوط کلی ستراتیژی و تاکتیک حزب را تعیین و کمیته مرکزی حزب را انتخاب کرد. مساله اساسی ایکه بلا فاصله در برابر کمیته مرکزی حزب قرار داشت در گام اول طرح و تدوین برنامه اساسی اصول عام جهانی علمی پیشرو عصر ما و تلفیق خلافتان این اصول با اوضاع و شرایط بخصوص کشور و در گام بعدی انتشار گسترده و علمی آن در سراسر افغانستان و جلب و بسیج افراد، محافل و نیروهای ملی و دموکراتیک و ترقیخواه و وطنپرست کشور ما در جهت تحقق آن بود.

کمیته مرکزی برای طرح و تدوین برنامه حزب، کمیسیون را تحت رهبری رفیق ببرک کارمل ایجاد نمود. در نتیجه طرح علمای تنظیم شده برنامه که توسط رفیق ببرک کارمل تدوین و از طرف کمیسیون مربوط تأیید شده بود، به کمیته مرکزی حزب ارائه گردید و پس از غور و مباحثه این طرح به اتفاق آراء تصویب گردید. به این ترتیب گام بزرگ و سازنده اولی برداشته شد و حزب از راه منامه غنی، همه جانبه و نجاتبخش برای یک مرحله کامل تاریخی بر خوردار گردید.

کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. با اعتقاد بر اینکه در وضع مشخص آنوقت به گفته وای. لینین... فعالیت سیاسی را فقط با تبلیغات سیاسی زنده میتوان آغاز کرد که آنهم بدون روزنامه خاص سراسری... که در فواصل کوتاه از چاپ خارج گردد و بطور منظم بخشی شود، میسر نخواهد بود ((بر اساس پیشنهاد رفیق ببرک کارمل تصمیم اتخاذ نمود تا بسوازا ت

استفاده از اشکال گوناگون مبارزه سیاسی، تشکیلاتی و ایدئولوژیک برای تأسیس جریده علمی سیاسی سراسری بنام ((خلق)) مبارزه نماید. مقامات حاکمه سلطنتی بر اساس موا دیکه در قانون اساسی نیم بند و فرمان تقنینی آزادی مطبوعات آنوقت وجود داشت، مجبور شدند، به نشر این جریده گردن نهند.

بنام جریده «خلق» ناشر افکار دموکراتیک خلق)) چون ستاره رهنا به تاریخ ۲۲ حمل ۱۳۴۵ به درخشش آغاز کرد. شماره اول و دوم «خلق» بطور همزمان مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به زبانهای پشتو و دری وسیعاً انتشار داد. انتشار جریده «خلق» و مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان که انتظار میرفت به نقطه عطف بزرگی در تاریخ ماست افغانستان مبدل گردید. گذشته زمان، ارزیابی ها از بیامانه نشر «مرام» را که درمقاله رفیق ببرک کارمل تحت عنوان «وسائل و راه های یکپارچه ارمان های خلق ستمدیده افغانستان و مرام دموکراتیک خلق رابه پیروزی میرساند» (منتشره در شماره های ۳ تا ۴ جریده خلق) صورت گرفته بود، بطور قطعی ثابت نمود. رفیق ببرک کارمل در این مقاله، نوشته بود:

((ارمان نهایی مرام دمو - کراتیک خلق اما ل درخشان تمام طبقات زحمتکش افغانستان را درین مرحله تاریخی بیان میکند. در همان پهنای از طرف اکثر محافل صدیق، مترقی و نیروهای وطنپرست دموکراتیک جامعه با شور و شغف کامل تحسین شد و مردم ستمکش کشور با اشتیاق فراوان از آن حسن آن عناصر و محافل بدین جهان، ضرورت و جیسر پیشرفت و نفوذ جریانات نوین و مترقی را از عقبینک سیاه منافع طبقه حاکمه، خودخواهی و فئودالی، خصوصیت استعماری، جزمیت و انجذاب می نگرند، جواب منطقی و محکم داد. ((مرام)) ثابت کرد که محافل سیاسی حاکمه و طبقه ای که با نشر مرام دموکراتیک خلق منافع خود را در خطر می بینند، دیگر قادر نیستند که برسم کهن و ارتجاعی و استبدادی دوران اختناق - اذهان مردم را در برابر جریانات پیشرو تاریخ منحرف و مشوب بگردد. ... نشر مرام دموکراتیک خلق تمام طبقات و اقشار ارتجاعی را که در تکان داد و در اثر آن دیده میشود که صفوف و جبهه ها مشخص تر میگردد، خطوط فاصله کشیده میشود و ((مرام)) جبراً مقام شامخ علمی خود را در حیات اجتماعی احراز مینماید و عرصه را برای نیروهای ارتجاعی تنگ تر میسازد و عرصه نیروهای پیشرو تاریخ را در جامعه وسعت می بخشد. همچنان جنبش دموکراتیک و مترقی بر شدویش ادا می دهد... شرایط مساعده ملی و بین المللی بیان کننده این واقعیت است که این مرحله جدید بنسبه

استواری دموکراسی ملی منجر میشود و در جنبش گروه واقف پیشا هنگ و ترقیخواه با بهیودان مبارزه میگذارد و در نتیجه مناجب پیشروی دموکراسی ملی بسوی دموکراسی اصیل اجتماعی میگردد و مرام دموکراتیک خلق منحصرتاً قانون عینی تکامل جامعه درین مرحله تاریخی تحقق مییابد.))

بنابرین خدمت بزرگ تاریخی که جریده خلق برای جنبش رها بی بخش دموکراتیک و ملی کشور ما و بطور کلی برای همه طبقات و اقشار زحمتکش، ترقیخواه، علمی و وطنپرست افغانستان انجام داد، این بود که ((برای نخستین بار در سیر تاریخ مبارزات ملی قطب نمای صحیح یعنی مرامنامه خلق دموکراتیک خلق)) را در اختیار آنان گذاشت.

همکذا جریده «خلق» در محکوم زمانی مختصری که موفق به نشرات گردید، به موازات ((تشریح، تبیین و تبلیغ و ترویج مرام دموکراتیک خلق))، ضرورت تاریخی و خصوصیات همسازان سیاسی و حزب طراز نوین طبقه کارگر و برخی جبهات تیوری علمی انقلابی را توضیح کرد. با افشای مستدل و منطقی ماحیت ارتجاع سیاسی، فئودالیسم امپریالیسم و دستگاه استبدادی در بیداری شعور طبقه سیاسی و اجتماعی خلق و گسترش سریع صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سراسر کشور سهم بزرگ را جی گرفت.

رفیق ببرک کارمل به حیث رئیس هیات تحریر جریده خلق و نیز به حیث نویسنده عمده ترین و بزرگترین مقاله منتشره در (۴) شماره بعدی جریده تابناک خلق یعنی مقاله ((وسائل و راه های...)) که صرفاً دو بخش آن تحت عنوان فرعی «جرا اقدام به تأسیس جریده خلق برای سراسر افغانستان کرد» و (ضرورت سازمان سیاسی نوع جدید) امکان نشر یافت، نقش رهمن و سازنده بی ایفا مینمود.

بر علاوه، نام و شهرت نیک قبلی او و جاتی که رفیق ببرک کارمل در جریان مبارزات انتخاباتی دوره دوازدهم شورا و نیز به حیث رهبر فرگسین و لسانی حزب ما در ولسی جرگه، میان مردم کسب نموده بود به جریده «خلق» و زنده بیشتری میبخشید. روپسفته ارتجاع حاکم داخلی، شبکه های سیاسی و جاسوسی ارتجاع و امپریالیسم و وحشتگرایی قابل تحلیلی فرا گرفت. رژیم استبدادی سلطنتی که بنا بر محبوبیت عظیم و قدرت معنوی بزرگ «خلق» نمی توانست، آنرا به سادگی و با اصطلاح «طبق قانون» توقیف کند، به پارلمان بیودالی خویش متوسل شده و به بهانه فلان فیصله نامه شورا مانع ادا می نشرات «خلق» گردید.

کیدی مسخره ای که به این ترتیب، برای توقیف جریده خلق روی پرده آمد، ماهیت واقعی سلطنت مطلقه و پارلمان ارتجاعی آنرا بیش از پیش

در برابر انتظار عامه مردم افشاء نمود و دعاوی کاذبانه و عوامفریبانه رژیم را بیراهه مون ((مشروطیت، قانون اساسی، دموکراسی، آزادی مطبوعات و غیره)) به افشاء کشید. علی الرغم با اصطلاح فیصله شورا در مورد توقیف جریده خلق، حزب دموکراتیک خلق افغانستان و فرگسین پاولانی آن تحت رهبری رفیق ببرک کارمل از مبارزه شدید بغا طر احیای «خلق» دست برنداشت. ولی احیای جریده «خلق» در اثر بهانه تراشی های رژیم به استناد با اصطلاح فیصله شورا میسر نشد، بناء رهبری حزب و رفیق ببرک کارمل باندبیر متکرانه تمویض نام ارگان مرکزی حزب، این بهانه تراشی رژیم را خنثی نمودند. در نتیجه رژیم مجبور گردید که در کنار ۱۲ جریده غیردولتی دیگر، به نشر جریده «پرچم» ناشرانده یسه های دموکراتیک خلق افغانستان)) تن دهد.

با این ترتیب، جریده تا بنایک «پرچم» بنام به دومین ارگان مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به ادامه جریده «خلق» تا سیس و به تاریخ ۲۳ حوت ۱۳۴۶ (۱۴ مارچ ۱۹۶۸) به نشرات آغاز نمود. طوریکه در سند کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. به مناسبت بیستین سالگرد تأسیس ح. د. خ. ا. تذکار رفته است: «پرچم در طول دوسال با نشرات در حدود صد شماره نفی بزرگی را در عرصه پرورش نسل بالنده و پرورنده انقلاب بیونگاه وطن ما، بخش ایدئولوژیک طبقه کارگر، کار سیاسی و سازمانی و ارتقای شعور طبقه سیاسی اقتصاد ملی - دموکراتیک، وطنپرست و ترقیخواه کشور و افشای نظام استبدادی ارتجاعی طبقات حاکم فئودالی سلطنتی، بیروکراتیک و کمپرادوری و استعمار و امپریالیسم ایفاء نمود.))

رفیق ببرک کارمل بحیث سازنده و رئیس هیات تحریر جریده پرچم در سندهای کار و فعالیت آن بعنوان روزنامه سراسری حزب و بحیث مشعل مبارزه خلق در جبهت بسیج نیروهای ملی و مترقی بدور پیشاهنگ رزمنده آن، نقش اساسی و مهم داشت.

جریده پرچم در چم جسور و استوار در موضع دفاع از منافع خلق ایستاد و اندیشه تا بنایک عصر، ایدئولوژیک طبقه کارگر را بغا طر تبیین زحمتکشان با صلاح مبارزه طبقه کارگر در میان مردم برد. سهم رفیق ببرک کارمل در راه رشد و تکامل جریده پرچم و تکمیل و بهبود امور سازمانی و رهبری و تنظیم خط مشی ستراتیژیک و تاکتیکی ح. د. خ. ا.، بر مبنای جهانیستی علمی و انطباق آن در شرایط جامعه افغانی بزرگ و برجسته است. رفیق ببرک کارمل طی مقالات متعدد که بنام خویش، نام های مستعار، دیگر نامها یا بدون نام مینگاشت، (انده یسه های لینین در باره تئوری و حزب))،

((طبقات و مبارزه طبقه ای))، ((در باره خط مشی سیاسی جریان دموکراتیک خلق افغانستان)) و... واضحاً بیان کرد که فقط حزب طراز نوینی که همه فعالیت خود را در راه آمادگی زحمتکشان برای رسیدن به قدرت دولتی و رهبری جامعه مترکیز نماید، حزبی که بیانگر و فاعل داری بایدار به امر خلق و مطهر جدیست و اراده بی پایان در راه تأمین منافع زحمتکشان را به پیروزی رساند و چنین حزبی باید به پیشا هنگ آگاه طبقه کارگر مبدل گردد، با توده ها در ارتباط نزدیک باشد و در پیشا پیش توده ها حرکت نماید.

این اندیشه ها که از تجارب انقلاب های پیروز مند سوسیالیستی و ملی و دموکراتیک و آموزش بنیان گذار حزب طراز نوین طبقه کارگر الهام می گرفت، در ساختمان و سندهای بعدی کار و فعالیت ح. د. خ. ا. نقش قاطع ایفاء کرد.

مقاله «راز شکست نا پذیری یا پیوند با خلق» (منتشره در شماره ۴۴ سال اول پرچم) با طرح مهمترین اصول و چگونگی تحکیم مناسبت حزب و مردم و اهمیت کار در میان توده ها تا کید کرد که حزب نباید از توده ها جدا باشد و به نزدیکی هر چه بیشتر به توده ها باید به پیشا هنگ واقعی و انقلابی آنان مبدل گردد و به ارتقای سطح آگاهی سیاسی توده ها و مبارزه آنان بغا طر ترقی و عدالت اجتماعی کمک برساند. و جریده پرچم از یمن موقعیت حرکت کرد و قبل از همه به تربیت و تجهیز ستم و انترناسیونالیستی حزب و زحمتکشان توجه به سزایی مینمود.

رفیق ببرک کارمل در مقالات: «خدمت به خلق و طبقه مقس مساست»، «عناصر ملی و وطنپرستان واقعی کیانده؟»، «وظایف جوانان ما»، «خلق و دشمنان خلق کیانده»، «یادداشت های چند درس موضوع» و «سه موضوع دیگر از دفتر یادداشت های سیاسی و اجتماعی» که بر اساس تحلیل دقیق وضع بغا طر هشیاری جنبش، بخصوص جنبش جوانان، از توطئه ها و دسائیس دشمن، تدوین یافته بود، مسایل پرورش سیاسی و ستمدهی مبارزه حزب و نسل جوان کشور را مطرح سو دکه تأثیرات بزرگ در جهت تربیت سیاسی و بهبود شیوه های مبارزه سازمانی حزب و هوا داران آن بیجا گشت. درین نوشته ها رفیق ببرک کارمل به اهمیت مبارزه علیه انحرافات ابور تو نیستی خرده بورژوازی در قبال مفهوم و سیاست عمومی و جاری حزب با در نظر داشت تجارب کشور های دارای ستمگری سوسیالیستی تأکید میکرد و تمام حزب رابه مبارزه آشتی ناپذیر علیه کلیه انحرافات و توطئه های دشمنان طبقه کارگر و ابورتونیزم راست و چپ، دعوت می نمود، زیرا ح. د. خ. ا. در شرایط تاریخی پایه عرصه وجود گشت که «عقباندگی عمومی مناسبات اجتماعی،

اقتصادی در کشور، عدم رشد آگاهی سیاسی و طبقاتی، سطح پایین آموزش تیوری انقلابی اکثریت اعضای حزب توام با کمبود آگاهی از تجارب احزاب و جنبشهای ملی و مترقی، کارگری و دموکراتیک و برخورد خلق با آن در شرایط مشخص جامعه ما، ضعف شناخت کامل و درست جامعه افغانی، خصوصیات و سطح رشد شعور طبقاتی و سیاسی و ترکیب طبقاتی و ملی کشور و عدم درک درست از تاکتیک و استراتژی طبقه کارگر، امکان میداد تا گرایش های انحرافی و عدول از اصول مرامی و سازمانی و سیاسی به ظهور رسد. در چنین شرایطی «پرچم» مشتمل در خشان مبارزه را بغا طر توضیح و تشریح اصول مرامی و سازمانی در حزب طراز نوین لینینی و بکسار بست این اصول در کار و فعالیت حزب به خاطر تحکیم وحدت سازمانی و سیاسی آن بر اساس مرکزیت - دموکراتیک، بر افروخته نگه داشت.

توضیح و تشریح اصول مرامی و سازمانی در حزب طراز نوین لینینی و بکسار بست این اصول در کار و فعالیت حزب به خاطر تحکیم وحدت سازمانی و سیاسی آن بر اساس مرکزیت - دموکراتیک، بر افروخته نگه داشت.

تنها توضیح و تشریح اصول مرامی و سازمانی در حزب طراز نوین برای رهبری جنبش و اعتلای مبارزه حزب و بسیج خلق بدور پیشاهنگ آن کافی نبود، اصل بسا اهمیت دیگر نیز درین زمینه در برابر حزب قرار داشت: بکار بست تجارب و اندیشه های لینینی، تحکیم وحدت سازمانی و سیاسی در جهت رشد و تکامل حزب بسا مختصات یک سازمان واحد رزمی که بر اساس اصول مرکزیت دموکراتیک استوار باشد و مبارزه در جهت دفاع قاطع از منافع خلق، جریده «پرچم» چنین وظیفه بزرگ و تاریخی را به عهده گرفت. رفیق ببرک کارمل در مقاله مشهور و ارزشمند «چه باید کرد؟» باید وضع موجود را از میان برداشت و در نوشته های: «سیاست اصیل انقلابی با عبارت پر دازی انقلاب فرق دارد»، «در باره فعالیت عملی مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان»، «تخیل یا واقع بینی در سیاست»، «نظری در باره وسایل پیروزی نهضت و ایجاد جامعه نوین در افغانستان» و «مردم و جبهه مقدس متحد شوید و جهاد مقدس را علیه ارتجاع سیاهو عمال استعمار نوین مجدان سازمان دهید» و... نه تنها اصول و شیوه های مبارزه به خاطر رهایی از ستم طبقاتی و ایجاد جامعه عدالت اجتماعی را در روشنائی احکام تیوری علمی انقلابی بیان کرد، بلکه بطور مشخص به سوال «چه باید کرد؟» در شرایط مشخص تاریخی کشور پاسخ گفت و وظایف حزب و همه نیروهای ملی و مترقی را بطور صریح روشن ساخت، و با حل مساله شرکت و یاعدم شرکت در بارلمان های ارتجاعی و چونگی تشکیل جبهه انقلابی مبارزات انتخاباتی و بلا نفورم مشترک برای جبهه انقلابی را مطرح نمود. رهبری حزبی با حمایت از این اندیشه ها، حزبو همه زحمتکشان و نیروهای ملی و مترقی رابه تطبیق آن جلب نمود و علیه همه عوام ملی و وحدت نیروهای وطنپرست

اقتصادی در کشور، عدم رشد آگاهی سیاسی و طبقاتی، سطح پایین آموزش تیوری انقلابی اکثریت اعضای حزب توام با کمبود آگاهی از تجارب احزاب و جنبشهای ملی و مترقی، کارگری و دموکراتیک و برخورد خلق با آن در شرایط مشخص جامعه ما، ضعف شناخت کامل و درست جامعه افغانی، خصوصیات و سطح رشد شعور طبقاتی و سیاسی و ترکیب طبقاتی و ملی کشور و عدم درک درست از تاکتیک و استراتژی طبقه کارگر، امکان میداد تا گرایش های انحرافی و عدول از اصول مرامی و سازمانی و سیاسی به ظهور رسد. در چنین شرایطی «پرچم» مشتمل در خشان مبارزه را بغا طر توضیح و تشریح اصول مرامی و سازمانی در حزب طراز نوین لینینی و بکسار بست این اصول در کار و فعالیت حزب به خاطر تحکیم وحدت سازمانی و سیاسی آن بر اساس مرکزیت - دموکراتیک، بر افروخته نگه داشت.

پرست و مترقی راسد میشد. به مبارزه قاطع برخاست. به این ترتیب ح. د. خ. ا. به حیث حزب پیشا هنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور در جریان مبارزه علیه رفور میزم و اشکال ابورتونیزم تحکیم یافت.

جریان تکامل حزب و جلب توده ها به مبارزه انقلابی، خود ضرورت و اهمیت کار ایدئولوژیک و سیاسی را برای تحلیل در ست از وضع و تعیین دقیق فعالیت پرانتیک و تیوریک حزب و تطبیق صحیح موازین و احکام تیوری علمی انقلابی در باره چگونگی مبارزه طبقه کارگر، با هیئت انقلاب و ابعاد فعالیت اقتصادی و سیاسی در مرحله گذار مطرح مینمود.

«پرچم» نه تنها فراگیری تیوری علمی انقلابی را بحیث شرط ضرور پیش بردموفقانه مبارزه و بسیج توده ها بدور حزب، بلکه انقلابی خلقافانه آنرا در شرایط مشخص تاریخی کشور در برابر حزب و هوا داران آن قرار داد.

تحلیل از چگونگی ظهور و گرایش های بعدی پروسه دموکراسی ملی در کشور های آسیایی و آفریقایی، اهمیت پیگیری کار ایدئولوژیک - سیاسی را بیشتر میساخت.

«پرچم» با تعریف دقیق از موقعیت اقتصادی - اجتماعی کشور و آرایش نیروها بلا نفورم ایدئولوژیک - سیاسی را پیش کشید که به تشکیل سازمانی و ایدئولوژیک عناصر ترقیخواه در یک سازمان واحد رزمی کمک مینمود.

این بلا نفورم شعار اتحاد طبقه کارگر و دهقانان، نقش رهبری کننده طبقه کارگر و خصوصیت طبقه ای - دولتی و حزب را مطرح کرد و رسیدن به سوسیالیسم را هدف غایی خویش (نه هدف نزدیک و مستقیم)، اعلام نمود.

رفیق ببرک کارمل طی مقالات و نوشته های متعدد از جمله: «راه غیر سر مایه داری راهیست بسوی آزادی و خوشبختی خلق»، «در باره حل چار مساله ملی»، «بیکار عادلانه ما در راه تاهمین ترقی اجتماعی و رفاه عمومی خلق افغانستان» و ده ها نوشته دیگر، تا درستی ایده توصل به ترقی اجتماعی بدون موجودیت یک پیشا هنگ آگاه و انقلابی را توضیح کرد و تصریح نمود که اجرای دگرگونی های دموکراتیک و پیگیری برای گذار از مراحل عالت ترقی اجتماعی فقط تحت رهبری چنین پیشا هنگی میسر است.

رفیق ببرک کارمل طی سرقال ها و مقالات متعدد شان حزب را از خطراتیکه در کار ایدئولوژیک سیاسی میتوانست و میتواند بروز کند، هشدار میداد و بر اهمیت کار زنده و فعال، دقیق و سنجیده شده در میان زحمتکشان، استفاده از وسایل و امکانات موجود برای این کار، تأکید میکرد. در شرایط نا بخنگی سیاسی - سازمانی حزب، این نوشته ها بغا طر ی هم از اهمیت (بقیه ص ۳)

